

داستان پینوکیو (قسمت ۱)

اگر یادتون باشه کودکی ما پُر بود از داستان های مطرح جهان که در قالب کارتون برامون پخش میکردند...

مثل؛ بینوایان_ پینوکیو_ رابین هود_ بچه های مدرسه آلپ_ آنرِت... اما متاسفانه هرگز، اصل داستان ها رو نمیدونستیم ، نمیخوام بگم درست بود یا اشتباه...

اما بعد از اینکه بزرگ شدم شخصا همه ی داستان ها رو مطالعه کردم ، و روز شاخ های بیشتری از تعجب در میاوردم چون داستان ها عموماً آنی نبودند که ما میدونستیم... بگذریم...

کمی در مورد #پینوکیو بگم

کارلو کلودی پینوکیو رو نوشت، در داستان اصلی اش (نه آنکه برای ما پخش کردند) او سعی داشت سختی تربیت کودکان ، مخصوصاً امور تربیتی #کودکان_نافرمان رو نشون بده و درکنارش ذات پلید و چهره ی واقعی انسانها رو.

دیدگاه کارلو کلودی

او معتقد بود تنها امر و نهی کردن کودکان باعث تربیت درست آنها نمیشه (متذکر بشم این یکی از، رایج ترین راهکار های تربیت کودکان در آن زمان بود) بلکه میتونه کودکان رو بیشتر به سمت کارهای غلط بکشونه .

طبق اصول روان شناسی؛ باید به کودکان فرصت های آزمون و خطا داده بشه تا تجربه حاصل بشه و در نهایت منجر به تصمیم های درست بشه.

ادامه دارد.....

پرستو مروجی